

یادداشت

تحقیر اروپا از سوی ترامپ آیا اتحاد دو سوی آتلانتیک شکاف برداشته است؟



محسن شریف خدائی

تحلیلگر روابط بین الملل

انتشار سند راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۵ آمریکا و واکنش‌های گسترده در محافل سیاسی و بین‌المللی نشان می‌دهد روابط ایالات متحده و اروپا وارد مرحله‌ای چالش‌برانگیز شده است. آنچه روزگاری «اتحاد فرآتلانتیک» نامیده می‌شد، اکنون بیش از پیش به رابطه‌ای پر تنش و تحقیرآمیز شباهت دارد. دولت ترامپ با تأکید بر اولویت‌های داخلی، چالش فرهنگی و نگاه تحقیرآمیز به اروپا، عملاً بنیان‌های نظم بین‌المللی پس از جنگ جهانی دوم را زیر سؤال برده است. سند جدید به جای ارائه یک راهبرد جامع، بیشتر یک بیانیه سیاسی-فرهنگی است. اولویت اصلی آن جلوگیری از مهاجرت گسترده به آمریکا و تثبیت نیم‌کره غربی به عنوان حوزه نفوذ سنتی ایالات متحده است. ارزش‌های مطرح‌شده در سند، نوعی تخریب بنیان‌هایی است که آمریکا را قدرتمند ساخته‌اند. اروپا در این سند نه به عنوان شریک راهبردی، بلکه به عنوان قاره‌ای در معرض «زوال تمدنی» در نتیجه هجوم گسترده مهاجرین معرفی شده است.

رفتار دولت ترامپ نشان می‌دهد رابطه آمریکا و اروپا دیگر در حد اتحادی چندان قوی و پابرجا نیست، بلکه بیشتر به رابطه‌ای یک‌طرفه و تحقیرآمیز شباهت دارد. اروپا به عنوان رقیب اقتصادی، بار امنیتی و دشمن فرهنگی معرفی شده است. این نگاه، احتمالاً اروپا را به سمت استقلال بیشتر سوق می‌دهد، زیرا نمی‌تواند به تضمین‌های سنتی آمریکا تکیه کند. رهبران اروپایی با نشست‌های اضطراری در روزها و هفته‌های اخیر تلاش کرده‌اند در برابر فشارهای واشنگتن به‌ویژه در موضوع جنگ اوکراین و جلوگیری از نفوذ روسیه مقاومت و تاب‌آوری کنند. طرح استفاده از دارایی‌های مسدودشده روسیه برای تأمین مالی اوکراین به عنوان یکی از ابتکارهای مطرح در اروپا مورد بحث قرار گرفته و هرچند هنوز به تصمیم قطعی تبدیل نشده، نمونه‌ای از ابتکار اروپا در برابر فشار آمریکاست. دعوت از رئیس‌دی پانتخت‌های اروپایی و گفت‌وگو و تبادل نظر با او برای ایستادگی و مقاومت در برابر روسیه، بی‌توجهی به طرح آتش‌بس ترامپ ارزیابی می‌شود.

اتحادیه اروپا اکنون بیش از گذشته به سمت استقلال دفاعی و اقتصادی گام برمی‌دارد. تجربه مذاکرات تجاری تابستان ۲۰۲۵ میان ارسولا فون در لاین، رئیس کمیسیون اروپا و دولت ترامپ، که به توافقی یک‌طرفه و تحقیرآمیز ختم شد و اروپا را مجبور به پذیرش امتیازات گسترده کرد، نشان داد اتحادیه اروپا در تعاملات آینده با واشنگتن ناگزیر است سخت‌گیرانتر و با رویکردی مستقل‌تر عمل کند.

در سند جدید، برخلاف اسناد پیشین، روسیه دیگر به عنوان «تهدید اصلی» معرفی نشده است. اشاره به جنگ اوکراین بسیار گذراست و بدون محکومیت جدی یا طرح راهبردی برای مهار روسیه آمده است. این تغییر لحن برای مسکو اهمیت کم‌بسیون اروپا و دولت ترامپ، که به توافقی یک‌طرفه و تحقیرآمیز ختم شد و اروپا را مجبور به پذیرش امتیازات گسترده کرد، نشان داد اتحادیه اروپا در تعاملات آینده با واشنگتن ناگزیر است سخت‌گیرانتر و با رویکردی مستقل‌تر عمل کند.

در سند جدید، برخلاف اسناد پیشین، روسیه دیگر به عنوان «تهدید اصلی» معرفی نشده است. اشاره به جنگ اوکراین بسیار گذراست و بدون محکومیت جدی یا طرح راهبردی برای مهار روسیه آمده است. این تغییر لحن برای مسکو اهمیت کم‌بسیون اروپا و دولت ترامپ، که به توافقی یک‌طرفه و تحقیرآمیز ختم شد و اروپا را مجبور به پذیرش امتیازات گسترده کرد، نشان داد اتحادیه اروپا در تعاملات آینده با واشنگتن ناگزیر است سخت‌گیرانتر و با رویکردی مستقل‌تر عمل کند.

این نوع واکنش در واقع نوعی تشکر غیرمستقیم از واشنگتن است، زیرا سند جدید راهبرد امنیت ملی آمریکا به روسیه اجازه می‌دهد خود را نه به عنوان دشمن، بلکه به عنوان بازیگری مشروع در نظم جهانی معرفی کند. به همین دلیل، روسیه سند جدید را فرصتی برای تثبیت موقعیت خود در اروپا می‌بیند. کاهش تعهدات آمریکا به امنیت اروپا، همراه با لحن نرم‌تر نسبت به روسیه، می‌تواند کشورهای اروپایی را در موقعیت دشواری قرار دهد و کرملین از این خلا برای گسترش نفوذ سیاسی و اقتصادی خود بهره‌برداری کند.

چین نسبت به بخش مربوط به تایوان در سند راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۵ آمریکا واکنش شدید نشان داده است، زیرا پکن تایوان را بخشی جدایی‌ناپذیر از خاک خود می‌داند و هرگونه اشاره به حمایت ترانه‌ای برای گسترش روابط اقتصادی و فناوری میان می‌کند. وزارت خارجه چین این سند را مداخله در امور داخلی خوانده و هشدار داده هرگونه حمایت نظامی یا سیاسی از تایوان با پاسخ قاطع روبرو خواهد شد. رسانه‌های دولتی چین نیز این سند را نشان‌آز از سیاست دوگانه آمریکا دانسته‌اند؛ از یک سو لحن نرم‌تر نسبت به روسیه و از سوی دیگر تشدید فشار بر چین.

در سطح راهبردی، چین از شکاف میان آمریکا و اروپا بهره می‌برد، زیرا نارضایتی اروپا از تحقیر آمریکا فرصت تازه‌ای برای گسترش روابط اقتصادی و فناوری میان پکن و بروکسل فراهم می‌آورد. فشارهای اقتصادی و تجاری واشنگتن نیز می‌تواند اروپا را به طور ناخواسته به سمت همکاری‌های گسترده‌تر با چین سوق دهد، به‌ویژه در حوزه‌هایی مانند انرژی پاک، فناوری‌های نوین و بازارهای مصرفی.

هم‌زمان، چین با تأکید بر چندقطبی‌شدن جهان و همراهی با روسیه که از لحن نرم‌تر سند نسبت به خود استقبال کرده است، شکاف میان آمریکا و اروپا را فرصتی برای بازتعریف نظم جدید به سود خود تلقی می‌کند. پیامدهای این رویکرد برای نظم بین‌المللی روشن است: کاهش تعهدات آمریکا می‌تواند انسجام میان اعضای ناتو را تضعیف کند، اروپا و دیگر متحدان سنتی آمریکا مایوس خواهند شد، جهانی‌شدن ادامه خواهد یافت اما بدون نقش رهبری آمریکا، چین و تا حدی روسیه فرصت بیشتری برای بازتعریف قواعد جهانی خواهد یافت.

اهداف کاخ سفید از انتشار سند را می‌توان چنین خلاصه کرد: مدیریت اقتصاد عمومی داخلی آمریکا و جلب پایگاه رای دهندگان ترامپ، تمرکز بر چالش فرهنگی و تبدیل امنیت ملی به امتداد آن، فشار بر متحدان و تحقیر تصمیمات مستقل آنان، تثبیت جایگاه آمریکا در حوزه‌های نوین فناوری و فاصله‌گرفتن از نقش رهبری در نظم جهانی.

اروپا به سمت استقلال بیشتر حرکت خواهد کرد تا از تبدیل‌شدن به قاره‌ای وابسته جلوگیری کند. همکاری‌های دفاعی درون‌اروپایی و سرمایه‌گذاری در فناوری‌های نوین می‌تواند جایگزین وابستگی به آمریکا شود. در جهانی که آمریکا و چین به دنبال رقابت اقتصادی‌اند و روسیه تهدید امنیتی ایجاد می‌کند، اروپا تلاش دارد نقش فعال‌تری ایفا کند. اتحاد فرآتلانتیک، که ستون نظم جهانی پس از ۱۹۴۵ بود، اکنون در معرض شکاف جدی قرار گرفته است. دولت ترامپ با انتشار سند امنیت ملی ۲۰۲۵، اروپا را تا حدی غافلگیر و تحقیر کرده و اتحاد میان اعضای اتحادیه را بی‌اهمیت جلوه داده است. این رویکرد نه تنها اعتماد متحدان را از بین می‌برد، بلکه فرصت‌های تازه‌ای می‌تواند برای قدرت‌های جهانی رقیب فراهم آورد. اروپا ناگزیر است به سمت استقلال بیشتر، وحدت دفاعی و استقلال اقتصادی روی آورد. این تحول نه یک انتخاب، بلکه ضرورتی تاریخی برای حفظ جایگاه اروپا از سوی بروکسل در نظم آینده به شمار می‌آید.

زه‌ره فراهانی، همه‌چیز از واژه‌ای آغاز شد که قرار بود رزناسنسی باشد در سپهر سیاسی ایران: «وفاق». این مفهوم خیلی زودتر از آنچه می‌شد تصورش کرد به‌جای هم‌گرایی، موجی از انتقادها را با خود همراه کرد و در دیگر سوی ماجرا، تربیین مجلس که باید محل گفت‌وگوی عقلانی و حل مسائل کشور باشد، با حضور چشمگیر جریان تندرو به ابزاری برای ایجاد التهاب اجتماعی و تسویه‌حساب‌های جناحی بدل شد؛ جایی برای بروز حسد، کینه و انتقام سیاسی از چهره‌هایی که در سال‌های گذشته در مقام مسئولیت بودند.

از رویای «وفاق» تا واقعیت انتقام
از نخستین ماه‌های آغاز به کار مجلس دوازدهم، فریاد محاکمه سر داده شد؛ نام ظریف و روحانی به عنوان نماد همه ناکامی‌ها مطرح شد. تا جایی که حتی کم‌کاری‌ها و ضعف‌های دوران دولت رئیسی نیز به آنان نسبت داده شد. این رویکرد، نه از سر نقد منصفانه، بلکه حاصل نگاه گزینشی و یک‌سویه به تاریخ مدیریت کشور بود. در ماجرای برجرام نیز همین منطق حاکم شد؛ گویی برخی ترجیح دادند هم‌صدا با مخالفان خارجی ایران، از ترامپ‌تا نتانیاهو، پایان این توافق را جشن بگیرند و بر طبل خوشحالی از فروپاشی آن کوبند؛ بی‌آنکه هزینه‌های سنگین این شکست برای منافع ملی و زندگی مردم را به رسمیت بشناسند.

رئیس قوه قضائیه در سیبل جدید تندروها
اگرچه حمله به روحانی و ظریف در چارچوب منازعات سیاسی سال‌های اخیر چندان دور از انتظار نبود، اما نقطه‌ای که پرسش‌برانگیز و غیرقابل توجه به نظر می‌رسید، جهت‌گیری تند و کم‌سابقه علیه غلامحسین محسنی‌آزهای، رئیس قوه قضائیه است؛ حمله‌ای که تا پیش از این، نظیر آن نسبت به عالی‌ترین مقام دستگاه قضا کمتر دیده شده بود. امروز ازآه‌ای، رئیس قوه قضائیه، توانسته است رضایت بخش قابل توجهی از افکار عمومی و ناظران سیاسی را جلب کند؛ رضایتی که عمدتاً با رویکرد او در سامان‌دهی پرونده‌های کلان و فاصله‌گرفتن از رفتارهای شعاری شکل گرفت. با این حال، مخالفت‌ها عمدتاً از سوی جریان‌های تندرو و چهره‌های نزدیک به جبهه پایداری بروز یافت. جریانی که هرگونه فاصله‌گرفتن از برخورداری نمایشی را به‌منزله تقلب‌نشی تعبیر می‌کند. نمونه‌های این رویکرد در مواضع علنی برخی نمایندگان نیز قابل مشاهده است. سال گذشته، علی خضریان، نماینده تهران، صراحتاً اعلام کرد که دیگر شخصیتی مانند ابراهیم رئیسی برای مبارزه با فساد وجود ندارد؛ گزاره‌ای که بیش از آنکه تحلیل باشد، حامل یک نگاه سیاسی و مقایسه‌ای جهت‌دار بود.

عبور از خط قرمزها؛ درخواست محاکمه قاضی القضات
حتی در ماجرای پرونده موسوم به «چای دیش» نیز رسانه‌ها و چهره‌های وابسته به جریان‌های خاص، از جمله سایت‌های خبری وابسته به جریان تندروی اصولگرایی، به میدان آمدند. هرچند تا ظاهر بر اصل محکومیت متهمان در صورت اثبات اتهام تأکید شد، اما حملات رسانه‌ای هم‌زمان با صدور رای اولیه محکومیت دو وزیر دولت مرحوم رئیسی، نشان داد که مسئله فراتر از مطالبه شفافیت قضائی است و بیش از هر چیز، رنگ‌بویی رقابت و تسویه‌حساب سیاسی دارد. هفته گذشته، نقطه اوج این روند زمانی رقم خورد که ابوترابی، نماینده مجلس، در اقدامی کم‌سابقه و در کمال ناباوری، آشکارا خواستار کنشاندن رئیس قوه قضائیه به پای میز محاکمه و مجازات شد. اظهاراتی که اگرچه به‌سرعت در فضای مجازی بازتاب یافت، اما در سطح رسانه‌ای با سکوتی معنادار مواجه شد؛ سکوتی که خود پرسش‌های جدی‌ری را پیش می‌کشد. فارغ از اینکه هر مقام و نهادی باید در چارچوب قانون پاسخ‌گو باشد، این پرسش اساسی مطرح است که چگونه برخی نمایندگان به خود اجازه می‌دهند پیش از طی‌شدن هر روند حقوقی، اصل اعتبار و استقلال دستگاه قضا را زیر سؤال برند و آن را به ابزار نزاع‌های سیاسی بدل کنند. چنین رفتاری نه نقد است و نه مطالبه شفافیت، بلکه تضعیف یکی از ارکان حاکمیت در برابر افکار عمومی محسوب می‌شود. پیش از این نیز حمید رسایی، دیگر نماینده شناخته‌شده جریان پایداری، در ادامه همان الگوی تکراری این روزها، با طرح ادعاهایی اثبات‌نشده، تلاش کرد برکناری یکی از قضات را به پرورده فساد گره بزند؛ ادعایی که بیش از آنکه مستند باشد، در امتداد فضاسازی رسانه‌ای و سیاسی قابل ارزیابی است. مجموعه این مواضع نشان می‌دهد که بخشی از جنجال‌های اخیر، نه از سر دغدغه عدالت و قانون، بلکه در چارچوب پروژه‌ای برای فشار سیاسی، تحقیر نهادی و بهره‌برداری جناحی از حساس‌ترین حوزه‌های حاکمیتی دنبال می‌شود.

هراس افکنی بنزینی؛ نقد یا تسویه‌حساب؟

اما این سریال فریادهای پوشالی گویا پایانی ندارد. اگر از این زاویه عبور کنیم و به سوی دیگر ماجرا بنگریم، حملات به دولت نیز در همین چارچوب قابل تحلیل است. بی‌تردید، عملکرد رئیس‌جمهور و برخی وزرا خالی از نقد نیست و انتقادات جدی به دولت وارد

«شرق» در گفت‌وگو با نمایندگان مجلس، پروژه انتقام‌گیری از ظریف تا حمله به ازآه‌ای و پزشکیان را بررسی می‌کند

تندروها علیه همه



است، اما آنچه امروز شاهد آن هستیم، نه نقد مسئولانه، بلکه مصادره مطالبات مردم به نفع تسویه‌حساب‌های سیاسی است؛ جایی که «نام مردم» خرج می‌شود و «سود جناحی» برداشت. فقط به همین ماه گذشته بازگردیم؛ زمانی که با وجود تصمیم حاکمیتی برای افزایش قیمت بنزین، «تصمیمی که در چارچوب ملاحظات اقتصادی و مدیریتی اتخاذ شد»، امیرحسین ثابتی با ادبیاتی ملتهب، فضایی از هراس و بحران‌سازی ایجاد کرد. او با مدین در آتش ترس‌های اجتماعی، مدعی شد دولت در پی تکرار وقایع ۹۸ است؛ سفره مردم کوچک‌تر خواهد شد و بنزین با قیمتی نجومی جامعه را در شوک فروخواهد برد. حتی شکفت‌آورتر آنکه در این فضاسازی، پای کشته‌شدگان حوادث تلخ گذشته نیز به میان کشیده شد؛ گویی جان مردم، به ابزاری برای تقابل سیاسی با دولت بدل شده است. پرسش اساسی اینجاست که چرا برای رویارویی با دولت، از زخم‌های باز جامعه و خاطرات تلخ ملی هزینه‌سازی می‌شود؟ آن هم در حالی که رهبر انقلاب با تمجید از تلاش‌های دولت بارها از قوه محریه حمایت کرده و از همه خواستند تا از دولت حمایت کنند. واقعیت اما مسیر دیگری را نشان داد. بنزین گران شد، اما نه آشوبی رخ داد، نه التهاب فراگیری شکل گرفت و نه جامعه به مسیری که هشاراد داده می‌شد رفت. حال این پرسش پررنگ‌تر از همیشه مطرح است که این حجم از دروغ‌پردازی، اغراق و فرافکنی، دقیقاً برای چه هدفی انجام شد و چه کسی قرار بود از آن بهره‌برداری کند؟

رویکرد دوگانه در مواجهه با مسائل ملی
رضا سپهوند، عضو کمیسیون انرژی، در پاسخ به «شرق» ضمن اشاره به تنش‌هایی که در جریان فعالیت‌های اخیر ایجاد شده بود و نحوه مدیریت این فضا، به واگوی انتقادی عملکرد «جبهه پایداری» پرداخت و رویکرد این جریان را «برخورد کاملاً سیاسی با مسائل ملی» توصیف کرد و گفت: متأسفانه این جریان دائماً با مسائل کشور برخوردی سیاسی دارد؛ گویی هنوز در کارزار انتخاباتی به سر می‌برند. جای تأسف عمیق دارد که در موضوعات ملی و مسائلی که مستقیماً با معیشت مردم گره خورده است، این اقبال به‌جای ارائه راهکار، به دنبال مچ‌گیری و ماهی‌گیری از آب گل‌آلود برای تضمین آینده انتخاباتی خود هستند.

نفاق سیاسی در ماجرای بنزین؛ دایه‌های مهربان‌تر از مادر!
این نماینده مجلس در بخش مهمی از سخنان خود، پرده از دوگانگی رفتار این جریان درباره رفتار حملات‌های انرژی برداشت و گفت: جریان تندروی مجلس دائماً تلاش می‌کند در جامعه خود را دایه دلسوزتر از مادر نشان دهد. این در حالی است که در محافل غیرخبری و خصوصی که ما نیز حضور داریم، خود این افراد معتقدند قیمت بنزین در شرایط کنونی بسیار پایین است و نیاز به اصلاح دارد. اما وقتی پای رسانه‌ها به میان می‌آید، دقیقاً چیز دیگری را عنوان می‌کنند و شعار مخالفت می‌دهند.

عبور از تصمیمات کلان نظام در موضوع فیلترینگ و حجاب
سپهوند با تأکید بر اینکه برخورد‌های این گروه «صرفاً سیاسی» است، افزود: این رویکرد را در هر موضوعی که مطرح می‌شود می‌بینیم؛ چه بحث فیلترینگ باشد و چه لایحه عفاف و حجاب. این در حالی است که در مورد تمام این موضوعات، از جمله بحث نرخ بنزین، کلیت نظام به یک نتیجه و جمع‌بندی مشخص رسیده است. اما این جریان با روش‌های خاص خود قصد دارد به جامعه و به‌ویژه قشر ضعیف القا کند که فقط دوستانر آنها هستند تا از این طریق سبب رای خود را برای انتخابات آینده بر کنند. شاهد هستیم که دائماً در مجلس فریاد می‌زنند و در مناظره‌ها سعی در تهییج جامعه دارند. هرکسی می‌تواند برای تهییج بخشی از جامعه شعار دهد، اما شعار باید دو ویژگی داشته باشد: اولاً قابلیت اجرا داشته باشد و ثانیاً منافع ملی و مردم را در کوتاه‌مدت و بلندمدت تأمین کند. او در پایان هشدار داد: سوءاستفاده از شرایط کنونی و وضعیت ضعیف اقتصادی مردم برای اهداف انتخاباتی، ظلم آشکار در حق جمهوری اسلامی و ظلم در حق این مردم است.

تریبون‌های هیجانی و ادعاهای تکذیب‌شده
اما این ماجراها را پایانی نیست و هر بار در قالبی دیگر تکرار می‌شوند. آنچه هفته گذشته در صحن مجلس رخ داد، بار دیگر نشان داد که گویا هر جلسه علنی مجلس شورای اسلامی باید با حاشیه‌ای تازه همراه باشد؛ حاشیه‌ای که غالباً بر پایه اطلاعات نادرست شکل می‌گیرد و هدفی جز تزیین التهاب به جامعه ندارد. در این میان، نماینده قم پشت تریبون مجلس، با ادبیاتی احساسی و ژستی انقلابی، مرز میان «دین خود» و «دین دیگران» را ترسیم کرد و مدعی شد خاتم طالبانی‌دارستانی پس از بازجویی توسط نهادهای امنیتی دچار سکنه شده است. ادعایی که ساعاتی بعد، با واکنش گسترده در فضای مجازی مواجه شد و موجی از پرسش‌ها را به دنبال آورد؛ مهم‌ترین آنکه چرا بار دیگر تلاش شد پای رئیس قوه قضائیه به ماجرای کشیده شود که اساساً از ابتدا فاقد صحت بود؟ واقعیت اما چیز دیگری بود. برخلاف ادعای مطرح‌شده، این فرد نه تنها دچار سکنه نشده بود، بلکه بنا به اصرار شخصی خود راهی مرکز درمانی شده بود. این در حالی است که سواپق او در یک سال گذشته، حاکی از رفتارهایی مسئله‌ساز و تلاش مستمر برای کشاندن جامعه و خیابان‌ها به سمت التهاب و تنش است. نکته قابل تأمل آنجاست که با وجود روشن‌شدن واقعیت، نماینده تندرو

نه تنها بر ادعای نادرست خود پافشاری کرد، بلکه حتی کمترین نشانه‌ای از اصلاح سخن یا عذرخواهی نیز بروز نداد؛ رفتاری که بیش از هر چیز، بی‌اعتنایی به حقیقت و مسئولیت نمایندگی مردم را نشان می‌دهد.

غوغاسازی؛ نشانه‌ای از بن‌بست سیاسی
مجموع این رفتارهای هیجانی و نادرست، تصویری روشن از وضعیت این جریان ترسیم می‌کند، جبهه‌ای که گویی به انتهای مسیر سیاسی خود رسیده و برای دیده‌شدن، حاضر است از هر خط قرمزی عبور کند؛ حتی اگر بهای آن بی‌اعتبارکردن نهادهای تخریب اعتماد عمومی و عبور از اخلاق سیاسی باشد. شاید برخی اعضای تندرو مجلس هنوز در فضای انتخابات نفس می‌کشند؛ گویی زمان رای‌گیری به پایان نرسیده و با تکیه بر جمعیتی اقلیت، چنین می‌پندارند که می‌توانند با نیت‌های پنهان و محاسبات جناحی، برای سرنوشت ۸۰ میلیون ایرانی تصمیم‌سازی کنند. از برکناری رئیس دستگاه قضا سخن می‌گویند و حتی دولت و شخص رئیس‌جمهور، مسعود پزشکیان، را در معرض تهدیدهای لفظی و فشارهای سیاسی قرار می‌دهند؛ بی‌آنکه به جایگاه رای مردم، ساختارهای قانونی و پیامدهای اجتماعی این رفتارها توجهی داشته باشند. این رویکرد، نه نشانه قدرت، که علامت استیصال سیاسی است؛ جریانی که به‌جای اقناع افکار عمومی، به مباحوه پناه برده و به‌جای قانون، بر التهاب تکیه کرده است. تجربه نشان داده تصمیم‌گیری برای کشور، نه با فریاد و دروغ، که با عقلانیت، مسئولیت‌پذیری و احترام به نهادهای رسمی ممکن است؛ امری که ظاهرآ در دستور کار این طیف خارج شده است. در نهایت، آنچه باقی می‌ماند، قضاوت افکار عمومی است؛ افکاری که به‌خوبی تفاوت میان نقد دلسوزانه و تخریب سیاسی و میان مطالبه عدالت و بازی با احساسات مردم را تشخیص می‌دهند.

برخی جریانات، کشور را متعلق به خود می‌دانند
مصطفی پوردهقان، نماینده مردم اردکان در مجلس شورای اسلامی، در گفت‌وگو با «شرق» ضمن انتقاد از رویکرد برخی جریانات تندرو در مواجهه با دولت چهاردهم، نسبت به تفسیر نادرست از کلیدواژه «وفاق» هشدار داد و تأکید کرد که همراهی دولت با مخالفان نباید به قیمت ناامیدی مردم به‌دنه اجتماعی رای‌دهنده تمام شود. او با بیان اینکه نقد دولت بخشی از دموکراسی است، تصریح کرد: مشکل اینجاست که برخی گروه‌ها در کشور ما خود را یک حزب نمی‌بینند، بلکه کشور را متعلق به خودشان می‌دانند. وقتی با این تندروها صحبت می‌کنید، گویی دولت مستقر هیچ سازوکاری با نظام و هیچ قابلیتی ندارد.

نادیده‌گرفتن حمایت رهبری توسط تندروها
پوردهقان با اشاره به جایگاه مقام معظم رهبری به عنوان ناخدای کشتی نظام و فصل‌الخطاب، افزود: حتی زمانی که ایشان به‌صراحت از دولت حمایت می‌کنند، این جریانات آن را برنمی‌تابند و حمایت ایشان را تفسیر به رای می‌کنند. مردم با وجود شرایط سخت، پای صندوق آمدند و به شعارهای آقای پزشکیشان رای دادند تا کشور به سمت عقلانیت بیشتر برود و چنین جریان تندرویی مملکت را هدایت نکند. متأسفانه می‌بینیم دولت در برخی مواقع با این جریان همراهی می‌کند و تسلیم می‌شود؛ چه در انتخاب وزرا و استانداران و چه در اجرای برخی طرح‌ها. نمونه آن طرح اخیر وزارت کشور درباره انتخابات شوراها بود که نشان داد دولت باز هم اسیر تفکرات این گروه شده است.

تفاوت «وفاق» با «باج دادن»
پوردهقان در بخش دیگری از این گفت‌وگو به تبیین مفهوم «وفاق» پرداخت و گفت: مفهوم وفاق این نیست که برای راضی‌شدن طرف مقابل، هرچه گفت بپذیریم؛ این کار مردم را آزاده‌خاطر می‌کند. دولت باید هر روز شعارهای خود را مرور کند و به آنها جامه عمل بپوشاند. وفاق با گروه‌هایی است که اهل همراهی هستند، نه گروهی که کارش فقط تخریب است. وقتی جریانی مدام شایعه استغفای رئیس‌جمهور را مطرح می‌کند، اسم تعامل با آنها وفاق نیست. همان‌طور که کلمات «مهرورزی» در دولت احمدی‌نژاد و «تدبیر» در اواخر دولت روحانی به دلیل عملکرد متناقض معنای خود را از دست دادند. اکنون نیز مفهوم وفاق در حال دچارشدن به همان سرنوشت است. وفاق در حال حاضر به معنای تسلیم‌شدن در برابر خواسته‌های ناحق برخی جریان‌های تندرو تعبیر می‌شود و این برای رئیس‌جمهور خطرناک است.

دولت جسارت به خرج دهد
نماینده مردم اردکان در دولت با تأکید بر لزوم حمایت از دولت در شرایط خاص کنونی، از رئیس‌جمهور خواست شجاعت بیشتری از خود نشان دهد. آقای پزشکیشان نباید به‌سادگی از کنار ناامیدشدن بخشی از جامعه که امیدوارانه پای کار نظام آمدند، عبور کند. امیدواریم ایشان با جسارت بیشتر به بدنه اجتماعی متخصص اعتماد کنند؛ چراکه ما اعتقاد قلابی داریم شکست این دولت، شکست نظام و پیروزی آن، پیروزی نظام است.

است.

خبر

رئیس قوه قضائیه: فساد به صرف بگیر و ببند وزندان و مجازات، ریشه‌کن نمی‌شود

رئیس قوه قضائیه گفت: مطالبه‌گری مردم در بحث مقابله با فساد، مطالبه‌ای درست و بحق است. به گزارش مرکز رسانه قوه قضائیه، حجت‌الاسلام محسنی‌آزهای در سخنانی در نشست شورای عالی قوه قضائیه، ضمن تبیین و تشریح ابعاد مقوله مبارزه با فساد، اظهار کرد: مطالبه‌گری مردم در بحث مقابله با فساد، مطالبه‌ای درست و بحق است؛ در شرایط گرانی و تورم، چنانچه فرد یا افرادی با سوءاستفاده از شرایط بخواهند فشار مضاعف به مردم تحمیل کنند و مرتکب فساد شوند، قطعاً باید قاطعانه و مجدانه، مورد برخورد قانونی قرار گیرند؛ اما این برخورد قاطعانه و مجدانه باید عالمانه هم باشد و همه جوانب در قبال آن، مراعات شود. رئیس قوه قضائیه تصریح کرد: هدف ما ریشه‌کن‌کردن فساد است؛ فساد به صرف بگیر و ببند و زندان و مجازات، ریشه‌کن نمی‌شود. این را تجربیات گذشته نیز ثابت کرده است؛ باید ریشه‌ها، گلوگاه‌ها و زمینه‌های فساد را رفع و مسدود کرد. بعضاً باید رویه‌ها و ساختارها را اصلاح کرد. باید تعارضات را رفع کرد. باید آگاهی بخشی عمومی را گسترش و بسط داد. باید تبتّه بیشتر داد. باید قانونی را که تصویب می‌شود و فسادزدا و شفافیت‌افزا است، به صورت تمام و کمال اجرایی کرد. باید دستگاه‌های نظارتی و بخش‌های فرهنگی و تبلیغاتی و فعالان بخش خصوصی و مؤثران در ایجاد ساختارهای شفافیت‌افزا و فسادزدا، به هم‌گرایی و هم‌افزایی بیش‌ازپیش نائل شوند. در کنار این موارد، قطعاً و یقیناً باید مرتکبان فساد را هم وفق قانون، محاکمه و مجازات کرد. با مجموع این تدابیر و تمهیدات است که فساد ریشه‌کن می‌شود. رئیس دستگاه قضا بیان کرد: قوه قضائیه مانند گذشته و حتی بیش از گذشته، مبارزه عالمانه و مجدانه با فساد را در صدر اولویت‌های خود قرار داده است و در برابر هر فساد و مفسدی که وفق قوانین و موازین و مقررات، فساد او ثابت و احراز شود، بدون کوچک‌ترین اهماض و تردید و ملاحظه‌ای، خواهد ایستاد. اما بار دیگر تأکید می‌کنم که این امر به‌تنهایی ما را در ضمیمه ریشه‌کن‌کردن فساد، به سرانجام مطلوب نمی‌رساند و لوازم و ملزومات دیگری نیز نیاز است؛ باید همه قوا، دستگاه‌ها، مردم، بخش خصوصی و... دست در دست هم دهیم تا هدف غایی که همان ریشه‌کن‌کردن فساد است، حاصل شود.

سرلشکر موسوی: ارتقای مستمتر توان پدافند هوایی از اولویت‌های کشور است

رئیس ستاد کل نیروهای مسلح گفت: ارتقای روز-به‌روز، مستمتر و دائمی توان پدافند هوایی ایران اسلامی، از اولویت‌های کشور است. به گزارش روابطعمومی ارتش، امیر سرلشکر سیدسعیدالرحیم موسوی، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح، در بازدید از قرارگاه مشترک پدافند هوایی خاتم‌الانبیاء(ص) کشور، لزوم ارتقای بیش‌ازپیش توان پدافند هوایی کشور را مورد تأکید قرار داد و تصریح کرد: ارتقای روزبه‌روز، مستمتر و دائمی توان پدافند هوایی ایران اسلامی، از اولویت‌های کشور است. هم‌زمان ما در پدافند هوایی حقیقتاً با ایثار، فداکاری و ازخودگذشتگی و بهره‌گیری از دانش، تخصص و همت بلند خویش، در چند ماه اخیر، اقدامات بسیار بزرگ و درخور توجهی را در عرصه ارتقای توان پدافند هوایی کشور ترتیب داده‌اند که شایسته قدردانی است.

آزادی ۱۴۰۰ از زندانی‌ا‌ز اسفند سال ۱۴۰۲ تاکنون
داستان کل کشور گفت: از اسفند سال ۱۴۰۲ تاکنون، با اجرای طرح پایش زندانیان و استفاده از نهادهای ارفاقی، بیش از ۱۳هزارو ۴۰۰ نفر، از زندان‌های سراسر کشور آزاد شده‌اند. حجت‌الاسلام «موحی» در جلسه شورای عالی قوه قضائیه اظهار کرد: در فصل تابستان امسال ۲۲۶هزارو ۵۸۵ دستگاه خودروی توقیفی موجود در پارکینگ‌ها رفع توقیف شده و از این تعداد بیش از ۲۷ هزار دستگاه به ارزش دو هزار میلیارد تومان به فروش رسیدند. او همچنین گفت: از اسفند سال ۱۴۰۲ تاکنون، با اجرای طرح پایش زندانیان و استفاده از نهادهای ارفاقی، بیش از ۱۳هزارو ۴۰۰ نفر، از زندان‌های سراسر کشور آزاد شده‌اند.